

داستان خانواده‌ای که در یک ساختمان کار و زندگی می‌کنند

تولید؛ از پارکینگ تا ویتترین های چشم‌نواز

محمد معصومیان
گزارش‌نویس

زهرآ نه رؤیای مغازه‌ای بزرگ در شمال شهر تهران دارد و نه می‌خواهد مانند رئیس یک تولیدی بزرگ لباس زندگی کند. زهرآ کاظمی که به همراه پنج خواهر و تنها برادرش تولیدی شلوار دارد می‌گوید: «دلم می‌خواهد آدم‌های کارآفرینی استفاده کنند و تا امروز با همه فرازو نشیب‌های اقتصادی کشور سعی کرده‌اند به کار خود ادامه دهند.

خانواده کاظمی اهل شهری هستند و همه باهم در یک آپارتمان زندگی می‌کنند. این وضعیت یعنی زندگی کردن در یک ساختمان و رفت و آمد مدام آنها با یکدیگر باعث شده بتوانند کسب و کاری خانوادگی راه بیندازند و همه هم در آن شریک شوند. زهرآ که دختر کوچک خانواده است و از برادر بزرگتر ۲۵ سال و از خواهر بزرگتر ۱۵ سال کوچکتر است به عنوان فعال‌ترین عضو این سندیکای خانوادگی از شروع کار می‌گوید: «راستش خواهرم معصومه یک مدت راننده سرویس مدارس بود و خب این کار سختی‌های خاص خودش را داشت. چند بار به بقیه خواهرها پیشنهاد داد که باهم یک کار خانوادگی راه بیندازیم و همگی در آن سودی داشته باشیم و در خانه هم بی‌کار نمانیم.» آنها بعد از جلسه‌های

مفصل خانوادگی به این نتیجه رسیدند که بهترین کار تولید شلوار زنانه است. زهرآ که حالا ۳۱ ساله است می‌گوید: «چند تا از خواهرانم در مسجد خیاطی یاد گرفته بودند و یکی از آنها هم مزون لباس شب داشت و خلاصه همه همکاری کردند تا کار راه بیفتد. البته اسپانسر کار هم برادر بزرگم شد و واقعاً سعی کرد پشت کار را بگیرد و حمایت کند. کار کم کم از توی خانه‌های ما شروع شد.»

صدای چرخ خیاطی در خانه کاظمی‌ها بلند شد و به چند هفته نگشید که کار روی غلتک افتاد: «برای ما سخت بود که به ترکیه برویم و به دالان‌های بازار آنجا سرک بکشیم و پارچه بخریم برای همین این مسئولیت را به دوستی سپردیم تا این کارها را بکند.» زهرآ که آن روزها ۱۵ سال بیشتر نداشت کار گذاشتن شلوارها در نایلون و برداشتن نخ‌های اضافی را بر عهده داشت و خواهران بزرگتر او پشت چرخ‌های خیاطی مشغول دوخت و دوز بودند.

زهرآ تعریف می‌کند به خاطر ارزان و با کیفیت بودن شلوارهای مجلسی‌شان به سرعت کارها در محله خودشان و محله‌های اطراف توسط دوستان و آشنایان به فروش می‌رفت و هر روز مشتری بیشتری جذب می‌شد: «روزهای اول هنوز خیلی حرفه‌ای نبودیم و کارها هم مثل امروز دوخت عالی نداشتند اما بازهم فروش خوب بود. باور کنید هنوز هم برای فروش از شبکه‌های اجتماعی کمک نگرفته‌ایم و من تازگی‌ها در اینستاگرام صفحه‌ای باز کرده‌ام و هنوز هم پستی برای تبلیغات گذاشته‌ام. آن زمان شعار ما این بود:

کار با کیفیت و قیمت ارزان. واقعاً هم به این شعار پایبند بودیم و هر روز اوضاع بهتر می‌شد. روی هر شلوار بیشتر از ۳۰ هزار تومان سود نمی‌گرفتیم و اگر همان شلوار ۱۵۰ تومانی ما بالای شهر می‌رفت تا ۲۵۰ هزار تومان هم به فروش می‌رسید اما ما نمی‌خواستیم این کار را بکنیم. ما معتقد بودیم قیمت را پایین بیاوریم تا فروش بیشتری داشته باشیم.»

او تعریف می‌کند دو چرخکار مرد استخدام شدند و در پارکینگ ساختمان مشغول دوخت و دوز شدند تا کارها با سرعت و کیفیت بهتری تولید شود و بعد از آن هم ۲۰ دوزنده دیگر و این بار زن به گروه ملحق شدند تا بتوانند به سفارشات برسند و پاسخگوی نیاز بازار باشند.

زهرآ که با هیجان و انرژی خاصی حرف می‌زند از روزهای خوب در دهه هشتاد می‌گوید: روزهایی که بیش از ۲۰ نفر مشغول دوخت و دوز بودند و تولیدی آنها رو به پیشرفت بود: «خیلی خوب کار می‌کردیم و آنقدر سرمان شلوغ بود که به فکر افتادیم مغازه‌ای هم باز کنیم و این کار را در پاساژی در ونک با فروشنده‌های معتمد شروع کردیم و کار را به آنها سپردیم. سعی نمی‌کردیم خودمان وارد کار فروش شویم و فقط سرکشی می‌کردیم. به خیلی از فروشنده‌ها هم می‌فروختیم و آنها هم کاملاً استقبال می‌کردند.» زهرآ به نمایشگاه‌های لباس سری می‌زد تا کار را در بازارهای دیگری به فروش برساند و این روند هنوز هم ادامه دارد. او هنوز هم به همه سختی‌ها چرخ

کار را می‌چرخاند: «از سال ۹۲ به این طرف کمی اوضاع خرید پارچه و فروش ما خراب شد. دیگر مثل سابق نمی‌توانستیم پارچه بخریم و بعد از آن هم وضعیت دلار باعث شد قیمت‌ها بالا برود و این روی قیمت تمام شده تأثیر داشت.»

زهرآ که دوست دارد دوباره مثل سابق به وضعیت ثابتی برسد تا بتواند کارآفرینی بهتری داشته باشد و مردان و زنان بیشتری را جذب چرخه تولید کنند می‌گوید: «متأسفانه کار سخت شده و قیمت‌ها بالا رفته اما ما هنوز کار می‌کنیم و معتقدیم اگر بخواهیم متوقف شویم دوباره بازار ایران دست جنس‌های بنجل خارجی می‌افتد و این اصلاً خوب نیست. کار سختی پیش رو داریم اما این باعث نمی‌شود که متوقف شویم. من اسفند پارسل پیراهن شومیز تولید کردم تا شب عید بفروشم اما هنوز روی دستم مانده چون به هرحال قدرت خرید مردم هم پایین آمده اما من ناامید نمی‌شوم و می‌دانم وضعیت به این شکل باقی نمی‌ماند.»

شلوارهای کتان و پارچه‌ای این تولیدی در کیفیت و زیبایی و تنوع رنگ، آنطور که از خریداران شنیده‌ام هیچ تفاوتی با اجناس خارجی که در فروشگاه‌های زنجیره‌ای با آب و تاب فروخته می‌شود ندارد جز قیمت که ارزان‌تر است. کاظمی می‌گوید: «اصلاً حرف این نیست که کارهای ما یا دیگری که در ایران کارآفرینی می‌کنند بهتر یا بدتر است، مهم‌ترین چیز رونق چرخه اقتصادی در کشور است که باعث می‌شود مردان و زنان بیشتری بتوانند از

۴



محمد معصومیان

چند تا از خواهرانم در مسجد خیاطی یاد گرفته بودند و یکی از آنها هم مزون لباس شب داشت و خلاصه همه همکاری کردند تا کار راه بیفتد. البته اسپانسر کار هم برادر بزرگم شد و واقعاً سعی کرد پشت کار را بگیرد و حمایت کند. کار کم کم از توی خانه‌های ما شروع شد. روزهای اول هنوز خیلی حرفه‌ای نبودیم و کارها هم مثل امروز دوخت عالی نداشتند اما بازهم فروش خوب بود. باور کنید هنوز هم برای فروش از شبکه‌های اجتماعی کمک نگرفته‌ایم و من تازگی‌ها در اینستاگرام صفحه‌ای باز کرده‌ام و هنوز هم پستی برای تبلیغات گذاشته‌ام

از او که متأهل است و دو پسر کوچک هم دارد می‌پرسم با درگیری‌های یک زن و مادر چطور به کارهای تولیدی می‌رسد که او با خنده جواب می‌دهد: «در کنار هم بودن خانواده هم خوبی‌های خودش را دارد. مثلاً اگرچه در تندباد مثل درختی خم و راست می‌شوند اما از ریشه کنده نمی‌شوند و همچنان سرپا خواهند ماند. آنها نمی‌خواهند چراغ تولید خاموش شود.

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول به حل شرح دوم بپردازید.	یک جدول با دو شرح
۷۰۶۷	

<p>افقی: ۱- سامانه جامع اطلاع رسانی ناشران- فیلمی از «پرویز شهبازی» ۲- بن درخت- مرواریدی در دل دریا- استان جنوبی ۳- اسم دخترانه- سهام داران- شهری در بخش «لاریجان» آمل ۴- از توابع «باوی» خوزستان- جوال- جانور زنده به آب- زمانه ۵- سماق- غذای ظهر- نام مستعار «ماریا شاربووا» تنیس باز روس ۶- قطعه‌ای از موسیقی- از مدارک تحصیلی عهد قدیم- حرف عطف ۷- به‌طور قانونی- بندری در «یونان»- گوارا ۸- چیزی که در یمن سازند- توده چیزی- بروشور ۹- وسیله نخ رسی- تیم «مسعود اوزیل»- کافه ۱۰- شهر «بینوکیو»- سرمربی «استقلال خوزستان»- مجموعه پلان‌ها ۱۱- مهلت- قلب پر شور و هیجان!- نام آذری ۱۲- حق مخالفت- بزرگترین پیمان نظامی- پشته‌خاک- حالتی از آیین ۱۳- گلی خوشبو- سمبل- اختاپوس ۱۴- روستایی در شهرستان «سبزوار»- نام پسرانه- مرکز «چک» ۱۵- پایتخت «مکزیک»- با «پبله» می‌آید</p>	<p>افقی: ۱- نوعی فرش با پرهای بلند- سومین تجارت سودآور کثیف دنیا ۲- دستبند زنانه- واجب شدن حق بر کسی- گناه‌ها و خطاها ۳- بهره‌ها- افسار- هافبک «آتمیلان» ۴- کوسفند قربانی- غذای نذری- شیرینی تیریزی- داروی هوشبری ۵- مخفف شاه- پلی در شهرستان «چگنی» و روی رودخانه‌ای با همین نام- نی ایک ۶- جمع لقب- گازی بی‌رنگ و بی‌بو- زوبین ۷- نهنگ- فوتبال درون سالن- قیمت ۸- عطر و اسانس- میوه چند رنگ- پی‌درپی و پشت سر هم ۹- پارچه زربفت- بستنی یخی- نان آور خانه ۱۰- سوره سی‌وششم- دانه‌های نباتات- سحر ۱۱- جایگاه- شالوده- نیمه دیوانه ۱۲- حجره- بدخواه- عود- تردید- پوشیدگی، پنهانی ۱۳- بلند قد- شیرینی سنتی «همدان»- کاشف قانون جاذبه ۱۴- ناامید- فطری- ذاتی- یکی از کلانشهرهای ایران ۱۵- کنایه از به زندان افتادن- گوارا</p>
---	--

<p>عمودی: ۱- برنده جایزه نوبل پزشکی ۲۰۰۹ بخاطر پژوهش در زمینه کشف مکانیسم حفاظت تلومراز کروموزوم‌های خطی- هر چیز سبک ومختصر ۲- قلندر- باد کشنده- میان سر ۳- وزنی در طلا فروشی- ماهی فروش- الک ۴- تاجر بیزی - مدرن - مخفف «عجل‌الله تعالی فرجه» - کلام تأسف ۵- بزرگ- دروغ ترکی- دهان پرنده ۶- به شمال آوردن- عضوی در صورت- نویسنده «جان شیفته» ۷- مخفف یورش- فقدان هماهنگی در حرکت‌های ماهیچه‌ای- به‌هم سوده شدن ۸- رموز- پول «کره جنوبی»- پی‌درپی بودن ۹- سوار- خواهرزاده داریوش بزرگ- زمینی وسیع ۱۰- سومین شهر بزرگ «ترکیه» بعد از استانبول و آنکارا- گرفتگی زبان- مظهر لغری ۱۱- خمره بزرگ- یاقوت- حجت‌ها ۱۲- مشت تودهنی- بدون نیروی کافی- بلوا- ناقل تیفوس ۱۳- خوشنویس ایرانی- بی‌باک- قوری بزرگ ۱۴- واحد دکان- شیمی فیزیک دان آمریکایی- گونه‌ای از سنگ‌های بهادر ۱۵- صدای نرم خندیدن- بازیکن ملی پوش «تراکور»</p>	<p>عمودی: ۱- نمایش سنتی عروسکی- ضد «سرما» ۲- طرد شده - نشانی - آب لایه ۳- خانه بزرگ با حیاط پردرخت- قسمی تمرین نظامی- شهر مهم «آلمان» ۴- سوره هجدهم- سرهنگ- حرف هشتم- فور خشک کننده‌در آزمایشگاه ۵- شیدا و شیفته- از میان رفته ومعذوم- سرکه ۶- بگویی قرآنی- رخنه، چاک- عصاره گرفته شده میوه‌ها که مورد علاقه همه بچه‌ها است ۷- ابتدا نداشتن- لغت و لعاب دادن- پر ۸- بازی دیرینه ایرانی- شهر «فردوسی»- شهرهای ساحلی ۹- علم احصائیه- ظرف جای خوری- لشکر، سپاه ۱۰- فرشته محبت- آگهی مصور- پسوندنسبت ۱۱- برجستگی نه کفش- محبوب و مورد علاقه - ضد «متحرک» ۱۲- از کارکنان بیمارستان- ماهی کنسروی- آبی سیر- اسب چابار ۱۳- سازمان جهنی قبل از انقلاب- تیز- بیماری جدام ۱۴- فرمانی که برای دستور توقف به‌کار می‌رود- ترس آور جوشن ۱۵- مژبوب- بزرگ‌ترین شهر «مراکش»</p>
--	---

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود	۳۱۱۳
---	------

۷			۱			۳
	۵	۹				
			۸		۴	۹
				۶		
					۵	
				۹		
	۳	۱	۲			
	۷	۹		۴		۶
						۷
			۵			۹

۱		۶		۳		
			۵	۶		
					۲	
				۷		۴
						۵
			۸		۱	
				۵		۶
					۹	۲
				۱	۸	
			۴			۸

۴		۶		۸		
	۷		۹		۵	
					۹	
	۲			۸	۷	۳
				۲		
	۱			۵	۴	۷
	۳				۴	
			۸		۶	۹
				۲		۵